



رشد و پیشرفت اقتصادی

درس ۱۱

• در اقتصاد معمولاً کشورهایی را که قدرت تولیدی بالاتر و درآمد بیشتر داشته باشند، پیشرفته‌تر می‌دانند.

◀ افزایش قدرت تولید کشور در گرو موارد زیر است

- تولید شرکت‌های تولیدی
- سازوکارهای مناسب برای ایجاد کسب و کار
- دادوستدهای مناسب



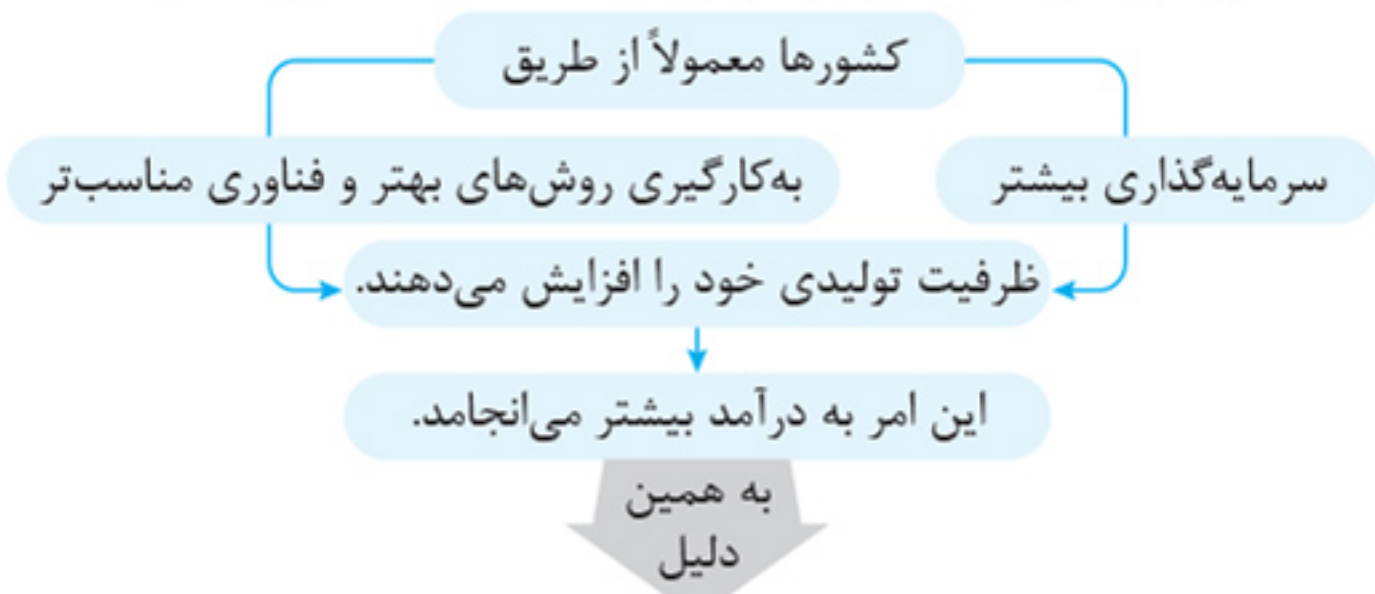
🏁 **نتیجه:** کشورهای پیشرفته، کشورهای قدرتمندی محسوب می‌شوند و بقیه روی آنها حساب باز می‌کنند.

مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی

- رشد اقتصادی
- شاخص‌های توسعه انسانی
- **مثال:** بهداشت، سواد و امید به زندگی
- شاخص توزیع عادلانه درآمد

رشد اقتصادی

- به معنای افزایش تولید است.
- مفهوم کمی دارد. (یعنی به افزایش مقدار و اندازه یک چیز اشاره می‌کند).
- اگر در جامعه‌ای میزان واقعی تولید در دوره‌ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد، می‌گوییم در آن جامعه رشد صورت گرفته است.



گاهی افزایش شاخص رشد یک کشور معادل افزایش درآمد آن در نظر گرفته می‌شود.

افزایش در منابع منشأ (علت) رشد اقتصادی

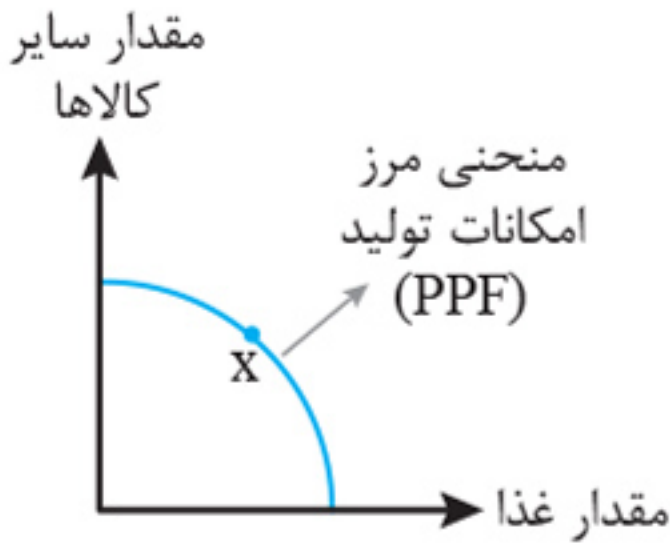
- افزایش جمعیت (منابع انسانی) ← عرضه بیشتر نیروی کار
 - افزایش سرمایه فیزیکی ← سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات و مغازه‌ها
 - آموزش ← افزایش سرمایه انسانی
- منابع بیشتر ← تولید بیشتر کالا و خدمات

بررسی رشد با الگوی مرز امکانات تولید

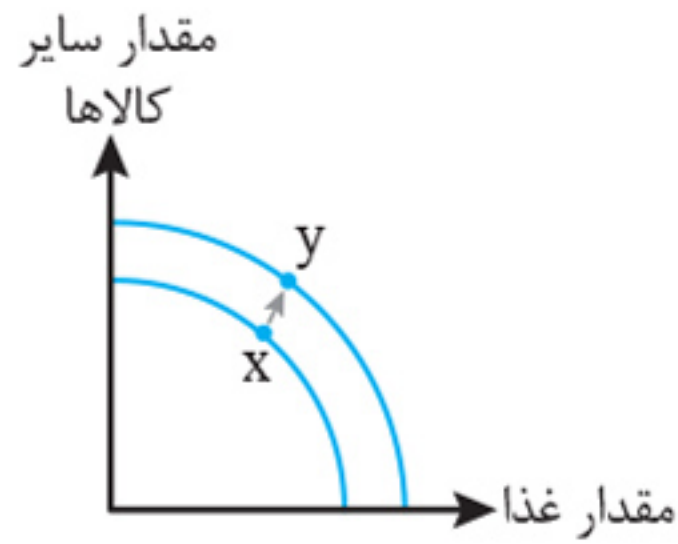
• از الگوی مرز امکانات تولید برای نشان دادن تأثیرات رشد اقتصادی می‌توان استفاده کرد.



به نمودارهای زیر توجه کنید:



منحنی مرز امکانات تولید
قبل از رشد اقتصادی



منحنی مرز امکانات تولید
بعد از رشد اقتصادی

◀ منحنی مرز امکانات تولید قبل از رشد اقتصادی

نقطه X تولید مقدار معینی از کالا و خدمات را بر روی نمودار نشان می‌دهد.

این نقطه از تمام منابع و امکانات موجود در پی تولید بهره برده است. با استفاده از منابع و امکانات بیشتر می‌تواند تولید خود را افزایش دهد.

◀ منحنی مرز امکانات تولید بعد از رشد اقتصادی

نقطه Y تولید مقدار بیشتری از غذا و سایر کالا و خدمات را نشان می‌دهد.

با افزایش منابع و امکانات میزان تولید افزایش می‌یابد. کل منحنی به سمت راست جابه‌جا می‌شود.

● با صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام می‌شود و با گذشت زمان ظرفیت تولیدی افزایش می‌یابد.

● رشد اقتصادی به کشور امکان می‌دهد تا غذا و کالاهای دیگر بیشتری را تولید و مصرف کند.

رشد اقتصادی و هزینه فرصت

رشد اقتصادی یک هدف مشترک است زیرا:

کشور را قادر می‌سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند.
گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد.

با رشد اقتصادی کشور از هر چیزی مقدار بیشتری تولید می‌کند.

هر کشوری برای لذت بردن از مواهب رشد اقتصادی باید چیزهایی را در زمان حال در اقتصاد فدا کند.

باید منابعی که می‌توانست برای ساخت کالاهای مصرفی در زمان حال استفاده شود، برای ساختن انواع سرمایه‌ها و توسعه روش‌های تولید بهتر برای آینده مصرف کند.

هزینه فرصت

محاسبه و اندازه‌گیری رشد اقتصادی

رشد

افزایش تولید است. به معنای

اقتصاددانان برای اندازه‌گیری رشد، به میزان رشد تولیدات یک کشور در طول سال می‌نگرند.

شاخص‌های سنجش میزان تولید (رشد)

درآمد داخلی

مجموع درآمدهایی که در طول سال برای کشور به دست می‌آید.

تولید ناخالص داخلی (GDP)

ارزش پولی همه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده در داخل مرزهای یک کشور در طول یک سال است.

هر تولید داخلی، درآمدی را برای تولیدکنندگان ایجاد کرده است.
در نتیجه می‌توان درآمد داخلی را معادل «تولید داخلی» دانست.



کلیدواژه‌های مهم در تعریف تولید ناخالص داخلی

کلیدواژه	توضیحات
ارزش پولی	<ul style="list-style-type: none"> • برای اندازه‌گیری تولید در هر کشور، به یک واحد مشترک نیاز است. • آن واحد مشترک پول داخلی هر کشور است. • صرف‌نظر از ابعاد، اندازه و وزن، هر کالا با ارزشی که در بازار دارد، در محاسبه مقدار تولید لحاظ خواهد شد.
کالا و خدمات	<p>تولید شامل تولید کالا و تولید خدمات است که در محاسبه لحاظ می‌شود.</p> <p>مثال: خدمات لوله‌کشی، خدمات معاینه پزشکی و...</p>
تولید نهایی	<p>فقط کالا و خدمات نهایی را در نظر می‌گیریم، نه محصولات واسطه‌ای را چرا که کالاها و خدمات واسطه‌ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده‌اند؛ اگر آن‌ها را جداگانه محاسبه کنیم، دچار خطای محاسبه مجدد می‌شویم.</p>
داخل مرزهای یک کشور	<ul style="list-style-type: none"> • تولیداتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود، اندازه می‌گیریم؛ صرف‌نظر از اینکه چه شهروندی آن را تولید کرده است. • تولید ناخالص داخلی ایران: جمع تمام تولیداتی است که شرکت‌ها و افرادی که در ایران فعالیت می‌کنند، آن‌ها را تولید کرده‌اند، حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌ها باشد.
در یک سال	<ul style="list-style-type: none"> • تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولیدشده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. • این مقدار شامل فروش اقلام باقی‌مانده از سال قبل نمی‌شود؛ یعنی ← چیزهایی که در یک سال ساخته می‌شود و در سال بعد فروخته می‌شود.

تولید ناخالص داخلی سرانه

سرانه

تعریف: سهم متوسط هر فرد در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.
محاسبه: تقسیم تولید ناخالص داخلی به کل جمعیت یک کشور
فرمول:

$$\text{تولید ناخالص داخلی سرانه} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}}$$

◀ مواردی که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود

۱ کار بدون دستمزد

کارها و خدماتی که پولی برای آنها ردوبدل نمی‌شود، حتی اگر ارزش بالایی داشته باشد.

مثال: ۱ کارهایی که در خانه انجام می‌شود. ۲ خدماتی که در خیریه‌ها به صورت داوطلبانه ارائه می‌شود.

۲ ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست‌دوم

این کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده‌اند، به حساب آمده‌اند.

مثال: خودرو، مبلمان و خانه

۳ تولیدات اقتصاد زیرزمینی، غیرقانونی و قاچاق

کالاهای غیرقانونی در تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود؛ زیرا: ۱ اطلاعات دقیقی از آنها در دست نیست. ۲ عملاً محاسبه آن‌ها مشروعیت بخشی به این گونه فعالیت‌هاست.
مثال: اجناسی که در مترو می‌خریم.



🕒 **تست: حالت اول:** در یک جامعه فرضی در مدت یک سال کالاهای

زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها

تولید ناخالص داخلی برابر است با: (خارج ۹۰- با تغییر)

ارزش ماشین‌آلات	۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
ارزش پوشاک	۸۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
ارزش مواد غذایی	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
خدمات ارائه‌شده	$\frac{1}{9}$ ارزش پوشاک

(۲) ۳۷۷۰

(۱) ۳۸۷۰

(۴) ۳۷۸۰

(۳) ۳۸۸۰

پاسخ گزینه «۱»

از آنجایی که همه اعداد به میلیون ریال هستند، می‌توانیم برای راحتی محاسبه، ۶ صفر آن‌ها را برداریم. ابتدا ارزش خدمات را محاسبه می‌کنیم:

میلیون ریال $9 = \frac{1}{9} \times 81 =$ ارزش پوشاک $\times \frac{1}{9} =$ خدمات ارائه‌شده

در مرحله بعد تولید ناخالص داخلی را محاسبه می‌کنیم (برای این کار ارزش تمام تولیدات کالا و خدمات را با هم جمع می‌کنیم):

ارزش پوشاک + ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی

خدمات ارائه‌شده + ارزش مواد غذایی +

میلیون ریال $3870 = 3600 + 81 + 180 + 9 =$ تولید ناخالص داخلی

تست: با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر:

(سراسری ۹۹ - با تغییر)

الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص داخلی سرانه در این جامعه چقدر است؟

۱	استهلاک سرمایه ثابت	$\frac{1}{3}$ تولید ناخالص داخلی GDP
۲	تولید ۳۰ دستگاه ماشین آلات نساجی به ارزش	۴۸۰ میلیون ریال
۳	ارزش مواد غذایی	۶۰ درصد ارزش تولیدات در بخش صنعت
۴	ارزش کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه به کاررفته در بخش صنعت و مواد غذایی	۲۴۰ میلیون ریال
۵	ارزش خدمات ارائه شده به وسیله بخش خصوصی	۵۰٪ مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذایی
۶	تعداد جمعیت	۲۰ میلیون نفر

الف) (۱) ۱,۲۵۱ (ب) ۳۸/۴ الف) (۲) ۱,۲۵۱ (ب) ۵۶/۸

الف) (۳) ۱,۱۵۲ (ب) ۵۷/۶ الف) (۴) ۱,۱۵۲ (ب) ۳۴/۸

پاسخ گزینه «۳»

الف) طبق تعریف تولید ناخالص داخلی برای محاسبه آن تنها داده‌های ردیف‌های ۲، ۳ و ۵ جدول را محاسبه می‌کنیم:



میلیون ریال $480 =$ ردیف (۲)

(ارزش تولیدات بخش صنعتی) $\times \frac{60}{100} =$ ردیف (۳)

ردیف (۲)

میلیون ریال $288 = \frac{60}{100} \times (480) =$ ارزش مواد غذایی

(مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذایی) $\times \frac{50}{100} =$ ردیف (۵)

ردیف (۲) + ردیف (۳)

میلیون ریال $384 = \frac{50}{100} \times (288 + 480) =$ ارزش خدمات

ردیف (۵) + ردیف (۳) + ردیف (۲) = تولید ناخالص داخلی

میلیون ریال $1,152 = 480 + 288 + 384 =$ تولید ناخالص داخلی

(ب)

برای محاسبه تولید ناخالص داخلی سرانه از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$\text{تولید ناخالص داخلی سرانه} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کل}}$$

تولید ناخالص

$$\text{تولید ناخالص داخلی سرانه} = \frac{\text{داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} \Rightarrow \frac{1152}{20} = 57.6 \text{ ریال}$$

حالت دوم: اگر تولید ناخالص داخلی یک کشور در طول یک سال

۶۵۰ میلیارد ریال و تولید ناخالص داخلی سرانه ۵۰۰,۰۰۰ ریال باشد،

جمعیت این کشور چند نفر است؟

پاسخ

$$\text{کل جمعیت} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{تولید ناخالص داخلی سرانه}}$$

$$\text{کل جمعیت} = \frac{۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰۰,۰۰۰} = ۱,۳۰۰,۰۰۰$$

حالت سوم: اگر تولید ناخالص داخلی سرانه یک کشور در طول یک سال ۴ میلیون ریال باشد و کشور دارای ۲ میلیون نفر جمعیت باشد، در این صورت تولید ناخالص داخلی چقدر است؟

پاسخ

$$\text{تولید ناخالص داخلی سرانه} \times \text{کل جمعیت} = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

$$۴,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

درآمد (تولید) داخلی سرانه

درآمد داخلی، مجموع درآمدهایی بود که در طول (یک) سال برای کشور به دست می‌آید.

این درآمدها شامل:

- حقوق‌بگیران
- صاحبان سرمایه
- صاحبان املاک و مستغلات
- صاحبان مشاغل آزاد
- سود شرکت‌ها و مؤسسه‌ها

با تقسیم درآمد داخلی به جمعیت کشور، درآمد سرانه به دست می‌آید.

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد داخلی}}{\text{جمعیت کشور}}$$

فرمول:



مثال: جدول زیر مبین اقلام مختلف درآمدی است که در طول یک سال نصیب اعضای یک جامعه فرضی شده است و جمعیت کل جامعه ۷۵ میلیون نفر می‌باشد. در این صورت:

الف) درآمد داخلی این جامعه کدام است؟
 ب) درآمد داخلی سرانه آن چقدر است؟
 ج) معنا و مفهوم سرانه چیست؟

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{4}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۲	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	$\frac{2}{5}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰ ریال
۴	دستمزدها	$\frac{1}{3}$ درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۵	درآمد صاحبان سرمایه	۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰ ریال
۶	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ ریال

۱) الف) (۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰ ب) $\frac{29}{86}$ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

۲) الف) (۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰ ب) $\frac{28}{96}$ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

۳) الف) $(۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰)$ ب) $(۲۸/۹۶)$ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد، تولید آن جامعه
 ۴) الف) $(۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰)$ ب) $(۲۹/۸۶)$ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه
پاسخ گزینه ۳

الف) درآمد داخلی، مجموع درآمدهایی است که در طول سال برای کشور به دست می‌آید.

$$\text{ریال} = \frac{۱}{۴} \times ۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ = ۱۷۴,۷۳۹,۵۰۰$$

$$\text{درآمد صاحبان املاک و مستغلات} = \frac{۲}{۵} \times ۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰$$

$$= ۲۷۳,۶۹۰,۰۰۰ \text{ ریال}$$

$$\text{ریال} = \frac{۱}{۳} \times ۲۷۳,۶۹۰,۰۰۰ = ۹۱,۲۳۰,۰۰۰$$

درآمد صاحبان املاک و مستغلات + درآمد حقوق بگیران = درآمد داخلی
 درآمد صاحبان سرمایه + دستمزدها + درآمد صاحبان مشاغل آزاد + سود شرکتها و مؤسسات +

$$\text{درآمد داخلی} = ۱۷۴,۷۳۹,۵۰۰ + ۲۷۳,۶۹۰,۰۰۰ + ۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰$$

$$+ ۹۱,۲۳۰,۰۰۰ + ۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰ + ۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰ = ۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰ \text{ ریال}$$

ب) محاسبه درآمد سرانه:

$$\text{درآمد (تولید) داخلی} = \frac{\text{درآمد (تولید) سرانه}}{\text{کل جمعیت}}$$

$$\text{ریال} = \frac{۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰}{۷۵,۰۰۰,۰۰۰} = ۲۸/۹۶$$

با این جواب می‌توانیم گزینه‌های «۱» و «۴» را حذف کنیم.
 ج) سرانه: سهم متوسط هر فرد در میزان تولید یا درآمد آن جامعه



تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی

اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی (GDP)

مهم‌ترین دلیل اندازه‌گیری: نظارت بر تغییرات تولید در طول زمان
 مشکل اندازه‌گیری: تغییر مداوم قیمت کالاها و خدمات
 راهکار: قیمت‌های محاسباتی در سال پایه، ثابت فرض شود.
محاسبه:

تولید ناخالص داخلی اسمی: محاسبه بر مبنای قیمت‌های سال اسمی
 تولید ناخالص داخلی واقعی: محاسبه بر مبنای قیمت‌های سال پایه (قیمت واقعی)

محاسبه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن

مثال: اگر میزان تولید سه سال متوالی به ترتیب سال اول ۴۰۰۰، سال دوم ۴۸۴۰ و سال سوم ۵۹۶۰ میلیارد ریال باشد، با انتخاب سال اول به عنوان سال پایه، میزان «تولید کل» جامعه در سه سال مورد نظر بر حسب قیمت‌های سال اول (سال پایه) به ۴۰۰۰، ۴۲۳۰ و ۴۸۶۰ میلیارد ریال تغییر می‌یابد.

بر اساس این محاسبات، افزایش قیمت در سال دوم و سوم و افزایش مقدار تولید در سال دوم و سوم چقدر است؟

پاسخ گام اول: اعداد مربوط به ارزش تولید کل به قیمت اسمی و واقعی در هر سه سال را زیر هم می‌آوریم.

سال سوم	سال دوم	سال اول	
۵۹۶۰	۴۸۴۰	۴۰۰۰	سال پایه
۴۸۶۰	۴۲۳۰	۴۰۰۰	سال جاری

گام دوم: برای محاسبه افزایش قیمت در هر سال، اعداد زیر هم را که در ردیف دوم آمده‌اند، از هم کم می‌کنیم:

سال سوم	سال دوم	سال اول	
۵۹۶۰ -	۴۸۴۰ -	۴۰۰۰	سال پایه
۴۸۶۰	۴۲۳۰	۴۰۰۰	سال جاری
۱۱۰۰	۶۱۰		

گام سوم: برای محاسبه افزایش تولید در هر سال، اعداد ردیف دوم را از عدد سال پایه افقی کم می‌کنیم:

سال سوم	سال دوم	سال اول	
۵۹۶۰	۴۸۴۰	۴۰۰۰	سال پایه
۴۸۶۰	۴۲۳۰	۴۰۰۰	سال جاری

منهای = ۲۳۰
منهای = ۸۶۰

نکته: تولیدات کل در سال اول به قیمت واقعی و اسمی یکسان است؛ زیرا سال اول، سال پایه در نظر گرفته شده است.

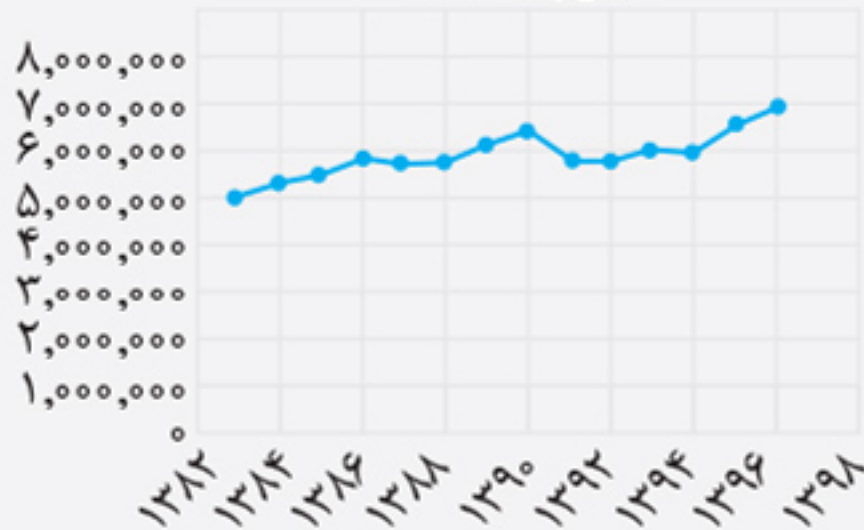
• برای محاسبه تولید ناخالص داخلی اسمی، مجموع ارزش کالاهای تولید شده کشور را در یک سال (بر مبنای قیمت‌های همان سال) محاسبه می‌کنیم.

$$\text{نرخ رشد تولید} = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}} \times 100$$



نکته: معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می‌شود.

تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ به میلیارد ریال
(سال پایه: ۱۳۹۰)



شاخص‌های دیگر اندازه‌گیری پیشرفت اقتصادی

- رشد کشور فقط محدود به رشد کمی نیست؛ بلکه جنبه‌های کیفی نیز دارد.
- پیشرفت در زمینه رشد ثروت، لزوماً به پیشرفت در زمینه توزیع ثروت تولیدشده منتهی نخواهد شد.
- بسیاری از کشورهایی که دارای رشد درآمدی بالا هستند، گرفتار نابرابری درآمدی‌اند. **مثال:** چین و آمریکا

شاخص دهک‌ها

یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت توزیع درآمد است. به منظور نشان دادن پیشرفت‌هایی در زمینه عدالت اقتصادی در برخی گزارش‌های اقتصادی استفاده می‌شود. محاسبه این شاخص:

- مردم کشور به ۱۰ گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند.
- در این گروه‌ها سطح درآمد از کمترین به بیشترین مرتب می‌شود.

جدول توزیع درآمد در ایران در سال ۱۳۹۱

کمترین سهم از درآمد ملی
۱۰ درصد اولیه جمعیت

۲/۷ درصد

سهم دهک اول

۴ درصد

سهم دهک دوم

۵ درصد

سهم دهک سوم

۶ درصد

سهم دهک چهارم

۷/۲ درصد

سهم دهک پنجم

۸/۴ درصد

سهم دهک ششم

۱۰ درصد

سهم دهک هفتم

۱۲ درصد

سهم دهک هشتم

۱۵/۷ درصد

سهم دهک نهم

بیشترین سهم از درآمد ملی
۱۰ درصد آخر جمعیت

۲۹ درصد

سهم دهک دهم

۱۰۰ درصد درآمد
ملی

۱۰۰ درصد جمعیت
کشور



⚠ توجه: آمارهای مربوط به سهم دهک‌ها در جامعه، چگونگی توزیع درآمد را نشان می‌دهد.
 ◀ جمعیت تمام دهک‌ها با هم برابر است و تفاوت آن‌ها مربوط به سهمشان از درآمد ملی است، نه تعداد افراد هر دهک.

وضعیت توزیع درآمد

• از محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول، شاخصی برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد به دست می‌آید.

فرمول اصلی:

$$\text{شاخص وضعیت توزیع درآمد} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}}$$

فرمول‌های فرعی:

۱. زمانی که ۲۰ درصد بالای درآمد با ۲۰ درصد پایین درآمد سنجیده می‌شود.

$$\frac{\text{سهم دهک نهم} + \text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول} + \text{سهم دهک دوم}} = \frac{۲۰\% \text{ بالای درآمد}}{۲۰\% \text{ پایین درآمد}}$$

۲. زمانی که ۱۰ درصد بالای درآمد با ۴۰ درصد پایین سنجیده می‌شود.

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک‌های اول} + \text{دوم} + \text{سوم} + \text{چهارم}} = \frac{۱۰\% \text{ بالای درآمدی}}{۴۰\% \text{ پایین درآمدی}}$$

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

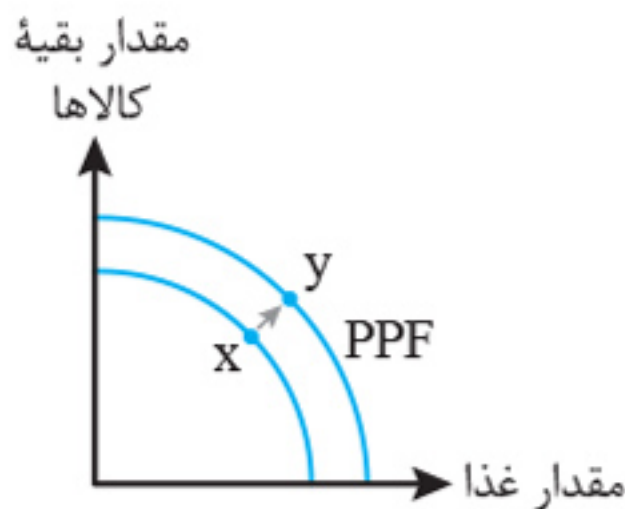


۱۵۳. در کدام گزینه مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت اقتصادی آمده است؟

- (۱) رشد اقتصادی - شاخص‌های توسعه انسانی - شاخص توزیع عادلانه درآمد
 - (۲) توسعه اقتصادی - شاخص درآمد سرانه - شاخص توزیع عادلانه درآمد
 - (۳) رشد اقتصادی - درآمد ناخالص ملی - شاخص درآمد سرانه
 - (۴) توسعه اقتصادی - شاخص‌های توسعه انسانی - درآمد ناخالص ملی
- ۱۵۴.** با توجه به مسئله «رشد اقتصادی» به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- الف) رشد به چه معناست و چه مفهومی را دربردارد؟
- ب) کشورها چگونه ظرفیت تولیدی خود را افزایش می‌دهند؟
- ج) یک منشأ رشد اقتصادی چیست؟

- (۱) الف) افزایش تولید، مفهوم کیفی ب) استفاده بهینه از عوامل تولید و اعطای وام به همراه معافیت‌های مالیاتی ج) افزایش در منابع
 - (۲) الف) افزایش درآمد، مفهوم کمی ب) سرمایه‌گذاری بیشتر و به‌کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر ج) افزایش در سرمایه
 - (۳) الف) افزایش تولید، مفهوم کمی ب) سرمایه‌گذاری بیشتر و به‌کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر ج) افزایش در منابع
 - (۴) الف) افزایش درآمد، مفهوم کیفی ب) استفاده بهینه از عوامل تولید و اعطای وام به همراه معافیت‌های مالیاتی ج) افزایش در سرمایه
- ۱۵۵.** با توجه به نمودار داده‌شده کدام گزینه صحیح است؟



- (۱) رشد اقتصادی منحنی را به سمت چپ - بالا منتقل می‌کند که نشان‌دهنده امکان بیشتر تولید در کشور است.
- (۲) اگر با صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام شود، با گذشت زمان ظرفیت تولیدی توسعه می‌یابد و مرز امکانات تولید به سمت بالا منتقل می‌شود.



۳) هم میزان واردات کشور بیشتر شده است و هم صادرات رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است.

۴) با تولیدات بیشتر میزان کارایی افزایش می‌یابد و کشور به نقطه آرمانی بالای PPF می‌رسد.

۱۵۶. عبارت «رشد اقتصادی یک هدف مشترک است.» کدام مفهوم را دربر نمی‌گیرد؟

۱) وقتی که اقتصاد رشد می‌کند، کشور قادر است از هر چیزی مقدار بیشتری تولید کند.

۲) هر کشور برای اینکه از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد، باید چیزهایی را در زمان حال در اقتصاد فدا کند.

۳) کشور را قادر می‌سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد.

۴) هر کشوری برای اینکه از مواهب رشد اقتصادی در آینده لذت ببرد، باید چیزهایی را که در زمان حال در اقتصاد دارد، تماماً در راه توسعه استفاده کند.

۱۵۷. کدام یک از فعالیت‌های زیر در محاسبه تولید ناخالص داخلی حساب نمی‌شود؟
الف) فعالیت زنان خانه‌دار

ب) تعمیر جاروبرقی منزل توسط تعمیرکار

ج) فعالیت تولیدی زنان در مزرعه‌ها

د) نگهداری از پدربزرگ سالمند

ه) فروش لوازم التحریر توسط دست‌فروش در مترو

و) فعالیت پزشک در بیمارستان

۱) الف، د، ه ۲) ب، ج، ه ۳) ج، ه، و ۴) الف، ج، و

۱۵۸. مندرجات جدول زیر مربوط به یک جامعه فرضی است. چنانچه

مجموع ارزش اقلام: مواد غذایی، پوشاک و ماشین‌آلات ۱۴۵ میلیارد

ریال باشد، در این صورت: (سراسری ۱۴۰۰ - با اندکی تغییر)

الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص داخلی سرانه در این جامعه کدام است؟

۱	هزینه استهلاک	$\frac{1}{4}$ ارزش خدمات ارائه شده
۲	جمعیت کل کشور	۲۵ میلیون نفر
۳	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۳۳ میلیارد ریال
۴	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
۵	ارزش خدمات ارائه شده	۴۴ میلیارد ریال

۲ الف) ۲۲۲ ب) ۸۸۸

۱ الف) ۲۱۱ ب) ۷۳۳

۴ الف) ۲۲۲ ب) ۷۳۳

۳ الف) ۲۱۱ ب) ۸۸۸

۱۵۹. مندرجات جدول داده شده مربوط به یک جامعه فرضی است. چنانچه مجموع ارزش اقلام: ماشین آلات، پوشاک و مواد غذایی ۱۳۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت: (خارج ۱۴۰۰ - با تغییر)

ردیف	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
۱	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	$\frac{1}{5}$ برابر هزینه استهلاک
۲	هزینه استهلاک	۱۴ میلیارد ریال
۳	ارزش خدمات ارائه شده	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
۴	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۴۵ میلیارد ریال



الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص داخلی سرانه در این جامعه کدام است؟

(۱) الف) ۱۷۱ (ب) ۳/۱۴

(۲) الف) ۷۱۱ (ب) ۳/۴۲

(۳) الف) ۱۷۱ (ب) ۳/۴۲

(۴) الف) ۷۱۱ (ب) ۳/۱۴

۱۶۰. جدول داده‌شده بیانگر اقلام درآمدی است که در طول یک سال نصیب یک جامعه فرضی شده است. چنانچه جمعیت کل این جامعه ۵۰ میلیون نفر باشد، در این صورت:

(خارج ۹۹ - با تغییر)

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۲۸ میلیارد ریال
۲	سود شرکت‌ها و مؤسسات	$\frac{۲}{۳}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{۲}{۶}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۱ و ۶
۴	درآمد صاحبان سرمایه	۳۴۸ میلیارد ریال
۵	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	$\frac{۱}{۳}$ مجموع درآمد ردیف‌های ۴ و ۶
۶	دستمزدها	۲۳۳ میلیارد ریال
۷	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

الف) درآمد داخلی این جامعه چقدر است؟

ب) درآمد سرانه آن کدام است؟

ج) مفهوم و معنای سرانه چیست؟

قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران موضوع ردیف‌های ۱ و ۶ به تفکیک محاسبه شده است.

(۱) الف (۱۵۱۲ ب) ۳۰/۴۲ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد آن جامعه

(۲) الف (۱۵۲۱ ب) ۳۰/۲۴ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان تولید آن جامعه

(۳) الف (۱۵۱۲ ب) ۳۰/۲۴ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان تولید و درآمد آن جامعه

(۴) الف (۱۵۲۱ ب) ۳۰/۴۲ ج) سهم متوسط هر فرد جامعه از میزان درآمد و تولید آن جامعه

۱۶۱. با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام: ماشین‌آلات، پوشاک و مواد غذایی در یک جامعه فرضی ۱۶۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت: (خارج ۹۹ - با تغییر)

الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص داخلی سرانه کدام است؟

تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	به ارزش ۶۵ میلیارد ریال
تولید خارجیان مقیم کشور	به ارزش ۱۵ میلیارد ریال
خدمات ارائه شده	$\frac{۳}{۵}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
هزینه استهلاک	$\frac{۲}{۳}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
جمعیت کل کشور	۶۵ میلیون نفر

(۲) الف (۲۹۱ ب) ۴/۲۱

(۱) الف (۲۱۹ ب) ۳/۳۶

(۴) الف (۱۹۲ ب) ۳/۳۶

(۳) الف (۲۹۱ ب) ۴/۱۲



۱۶۲. اطلاعات استخراج شده از حساب‌های ملی کشوری با جمعیت ۸۰ میلیون نفر، مطابق جدول زیر است. اگر خالص عوامل تولید از خارج ۴۷۲۸ ریال باشد، «تولید خالص ملی» و «تولید ناخالص ملی سرانه» این کشور، به ترتیب چقدر است؟ (سراسری ۱۴۰۱)

ارزش افزوده بخش کشاورزی	۶۷۲۹۰ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش صنعت	۳۹۲۵۰۰ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش خدمات	۵۴۵۸۹۰ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش ساختمان	۱/۵ برابر ارزش افزوده بخش کشاورزی
استهلاک سرمایه	۳۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت

(۱) ۱۳۸۹۱۷۸۷/۵ - ۹۹۳۵۹۳ (۲) ۷۷۲۳۸۵۰ - ۹۹۳۵۹۳

(۳) ۱۳۸۹۱۷۸۷/۵ - ۵۰۰۳۵۸ (۴) ۷۷۲۳۸۵۰ - ۵۰۰۳۵۸

۱۶۳. اطلاعات استخراج شده از حساب‌های ملی کشوری با جمعیت ۴۰ میلیون نفر، مطابق جدول زیر است. اگر استهلاک سرمایه، $\frac{2}{7}$ ارزش افزوده بخش صنعت باشد، «تولید خالص ملی» و «تولید ناخالص ملی سرانه» به ترتیب کدام است؟ (خارج ۱۴۰۱)

ارزش افزوده بخش خدمات	۸۴۲۵۳ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش کشاورزی	۵۶۹۷۰ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش صنعت	۲۴۰۳۷۳ میلیارد ریال
ارزش افزوده بخش ساختمان	۱/۵ برابر ارزش افزوده بخش کشاورزی
خالص عوامل تولید از خارج	۶۲۸۰ میلیارد ریال

(۱) ۱۰۱۱۶۳۲۵ - ۴۰۴۶۵۳ (۲) ۱۱۸۳۳۲۷۵ - ۴۰۴۶۵۳

(۳) ۱۱۸۳۳۲۷۵ - ۴۷۳۳۳۱ (۴) ۳۱۰۶۰۶۵۰ - ۴۷۳۳۳۱



۱۶۴. مندرجات جدول داده‌شده بیانگر وضعیت توزیع درآمد در کشور A در سال ۱۹۸۰ میلادی بر اساس شاخص دهک‌هاست؛ چنانچه: (سراسری ۹۹)

تفاوت سهم دهک اول و چهارم: ۴ درصد

تفاوت سهم دهک دوم و هفتم: ۵/۵ درصد

تفاوت سهم دهک پنجم و نهم: ۷ درصد

تفاوت سهم دهک ششم و دهم: ۱۵ درصد باشد، در این صورت سهم دهک اول، سهم دهک دوم، سهم دهک نهم و سهم دهک دهم به ترتیب چند درصد است؟

سهم دهک اول	؟
سهم دهک دوم	؟
سهم دهک سوم	۶ درصد
سهم دهک چهارم	۷ درصد
سهم دهک پنجم	۸ درصد
سهم دهک ششم	۹ درصد
سهم دهک هفتم	۱۰/۵ درصد
سهم دهک هشتم	۱۲/۵ درصد
سهم دهک نهم	؟
سهم دهک دهم	؟
۱۰۰ درصد جمعیت	۱۰۰ درصد درآمد ملی

- (۱) سه - پنج - چهارده و نیم - بیست و سه و نیم
- (۲) سه - پنج - پانزده - بیست و چهار
- (۳) دو و نیم - شش - پانزده - بیست و سه و نیم
- (۴) دو و نیم - شش - پانزده - بیست و چهار



۱۶۵. جدول داده شده وضعیت توزیع درآمد مربوط به کشوری را در طول یک سال نشان می دهد، با توجه به آن: (سراسری ۹۷)
- الف) سهم دهک های سوم، ششم و هفتم به ترتیب کدام است؟
- ب) سهم «بیست درصد بالا» و سهم «بیست درصد پایین» هر کدام به ترتیب چقدر است؟
- ج) عدد مربوط به شاخص وضعیت توزیع درآمد، کدام است؟
- د) کدام عبارت در این رابطه درست است؟

سهم هر گروه (به درصد)	گروه های درآمدی
۲	سهم دهک اول
۳	سهم دهک دوم
؟	سهم دهک سوم
۷/۵	سهم دهک چهارم
۱۰	سهم دهک پنجم
؟	سهم دهک ششم
؟	سهم دهک هفتم
۱۲	سهم دهک هشتم
۱۶	سهم دهک نهم
۲۲	سهم دهک دهم
۱۰۰ درصد درآمد ملی	۱۰۰ درصد جمعیت کشور

- ۱) الف) چهار - یازده و نیم - دوازده ب) ۵ - ۳۸ ج) ۱۱ د) ۵۰ درصد درآمد ملی به ۳۰ درصد درآمد جامعه و ۵۰ درصد درآمد ملی به ۷۰ درصد دیگر جامعه تعلق می گیرد.
- ۲) الف) پنج - ده و نیم - دوازده ب) ۳۸ - ۵ ج) ۱۱ د) ۵۰ درصد درآمد ملی به ۳۰ درصد درآمد جامعه و ۵۰ درصد درآمد ملی به ۷۰ درصد دیگر جامعه تعلق می گیرد.

۳) الف) شش-ده-یازده و نیم (ب) ۳۸-۵ (ج) ۵/۱۰ (د) ۷۰٪ درآمد ملی به ۵۰٪
 پردرآمد جامعه و ۳۰٪ درآمد ملی به ۵۰٪ درآمد پایین جامعه تعلق می‌گیرد.
 ۴) الف) سه و نیم-دوازده-دوازده (ب) ۵-۳۸ (ج) ۵/۱۰ (د) ۷۰٪ درآمد ملی به ۵۰٪
 پردرآمد جامعه و ۳۰٪ درآمد ملی به ۵۰٪ درآمد پایین جامعه تعلق می‌گیرد.
۱۶۶. وضعیت توزیع درآمد در کشور A، مطابق جدول مقابل است. با
 توجه به دو فرمول نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین و نسبت
 ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین، پاسخ پرسش‌های «الف»، «ب» و «ج»
 کدام است؟ (سراسری ۱۴۰۱)

الف) کدام شاخص، توزیع درآمد در این کشور را مناسب‌تر نشان می‌دهد؟
 ب) کدام شاخص، بیانگر نامناسب‌تر بودن توزیع درآمد در این کشور است؟
 ج) کدام شاخص، برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد بین کشورهای
 مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

وضعیت توزیع درآمد در کشور A	
سهم دهک اول	۵ درصد
سهم دهک دوم	۷ درصد
سهم دهک سوم	۸ درصد
سهم دهک چهارم	۹ درصد
سهم دهک نهم	۱۷ درصد
سهم دهک دهم	۲۵ درصد

۱) الف) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین (ب) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین (ج) نسبت دهک دهم به دهک اول
 ۲) الف) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین (ب) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین (ج) نسبت دهک دهم به دهک اول



۳) الف) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ب) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ج) نسبت دهک اول به دهک دهم
 ۴) الف) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ب) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ج) نسبت دهک اول به دهک دهم
۱۶۷. وضعیت توزیع درآمد در کشور A، مطابق جدول زیر است. با توجه به دو فرمول نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین و نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین، پاسخ پرسش‌های «الف»، «ب» و «ج» کدام است؟
 (خارج ۱۴۰)

الف) کدام شاخص، توزیع درآمد در این کشور را مناسب‌تر نشان می‌دهد؟
 ب) کدام شاخص، بیانگر نامناسب‌تر بودن توزیع درآمد در این کشور است؟
 ج) کدام شاخص، برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد بین کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

وضعیت توزیع درآمد در کشور A	
۳ درصد	سهم دهک اول
۵ درصد	سهم دهک دوم
۷ درصد	سهم دهک سوم
۹ درصد	سهم دهک چهارم
۱۸ درصد	سهم دهک پنجم
۲۱ درصد	سهم دهک دهم

۱) الف) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ب) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ج) نسبت دهک اول به دهک دهم
 ۲) الف) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ب) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ج) نسبت دهک اول به دهک دهم
 ۳) الف) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ب) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ج) نسبت دهک اول به دهک دهم

۴) الف) نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین ب) نسبت ۱۰ درصد بالا به ۴۰ درصد پایین ج) نسبت دهک دهم به دهک اول
۱۶۸. در جدول زیر اطلاعات کشوری برای ۴ سال متوالی ارائه شده است.
 پاسخ پرسش‌های «الف» و «ب» کدام است؟ (دی ۱۴۰۱)

الف) توزیع درآمد آن کشور در چه سالی نامناسب‌تر است؟
 ب) در آن جامعه در کدام سال توزیع درآمد عادلانه‌تر است؟

سال	دهک دهم	دهک اول
۱۳۸۶	۲۰	۴
۱۳۸۷	۲۷/۵	۵
۱۳۸۸	۳۲	۸
۱۳۸۹	۲۱	۶

۱) ۱۳۸۷ - ۱۳۸۹ ۲) ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸

۳) ۱۳۸۹ - ۱۳۸۷ ۴) ۱۳۸۹ - ۱۳۸۶

۱۶۹. اطلاعات مندرج در جدول زیر مربوط به یک کشور فرضی در سه سال پیاپی است. در صورتی که میزان تورم در سال دوم و سال سوم به ترتیب ۳۸۷ و ۱۰۲۰ هزار میلیارد باشد، در این صورت؛ (سراسری ۹۹)
 الف) ارزش تولید کل در سال دوم و سوم کدام است؟
 ب) مقدار افزایش تولید کل در سال دوم و سوم کدام است؟ (سال پایه = سال ۱۳۷۱)

سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
ارزش تولید کل به قیمت اسمی	۳۹۰۰	۵۰۳۴	؟
ارزش تولید کل به قیمت واقعی	۳۹۰۰	؟	۸۳۹۰



- (۱) الف (۴۶۴۷ - ۹۴۱۰ ب) ۷۴۷ - ۴۴۹۰
 (۲) الف (۵۴۲۱ - ۹۴۱۰ ب) ۱۵۲۱ - ۴۴۹۰
 (۳) الف (۴۶۴۷ - ۷۳۷۰ ب) ۷۴۷ - ۳۴۷۰
 (۴) الف (۵۴۲۱ - ۷۳۷۰ ب) ۱۵۲۱ - ۳۴۷۰

۱۷۰. با توجه به اطلاعات ارائه شده پیرامون سطح عمومی قیمت‌ها در یک سال مشخص برای سه کشور «A»، «B» و «C»، سطح عمومی قیمت‌ها در انتهای سال برای کشور «A» و ابتدای سال برای کشور «B»، به ترتیب چند واحد پولی است؟ (دی ۱۴۰۱)

کشور	قیمت	ابتدای سال (واحد پولی)	انتهای سال (واحد پولی)	نرخ تورم (درصد)
A	۴۰۰	؟	$\frac{1}{2}C$	
B	؟	۴۴۸	A سه برابر	
C	۲۰۰	۲۸۰	۴۰	

(۲) ۴۸۰ - ۳۲۵

(۱) ۴۸۰ - ۲۸۰

(۴) ۵۲۰ - ۳۲۵

(۳) ۵۲۰ - ۲۸۰

۱۷۱. میزان تولید کل کشوری در سه سال متوالی به ترتیب سال اول ۱۵۰۰، سال دوم ۱۷۰۰ و سال سوم ۱۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گزینش سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید کل در سه سال موردنظر بر حسب قیمت‌های سال پایه به ۱۵۰۰، ۱۶۵۰ و ۱۷۱۰ تغییر یافته است. بر اساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ: (خارج ۹۹)

الف) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سوم در این جامعه است؟
 ب) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سوم کدام است؟

ج) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم کدام است؟

(۱) الف (۵۰ - ۱۶۵ ب) ۱۵۰ - ۲۱۰ ج) ۵۰ - ۱۶۵

(۲) الف (۵۰ - ۱۶۵ ب) ۲۱۰ - ۱۵۰ ج) ۵۰ - ۱۶۵

۳) الف (۱۶۵ - ۵۰) ب (۱۵۰ - ۲۱۰) ج (۱۶۵ - ۵۰)

۴) الف (۱۶۵ - ۵۰) ب (۲۱۰ - ۱۵۰) ج (۱۶۵ - ۵۰)

۱۷۲. میزان تولید کل کشوری در سه سال متوالی به ترتیب ۳۰۰۰، ۴۲۵۰ و ۶۷۴۰ هزار میلیارد ریال شده است. با انتخاب سال اول، به عنوان سال پایه، میزان تولید کل این جامعه در سه سال مورد نظر بر حسب قیمت‌های سال پایه به ۳۰۰۰، ۳۸۶۰ و ۶۳۲۰ تغییر می‌یابد. پاسخ پرسش‌های «الف»، «ب» و «ج» کدام است؟ (سراسری ۱۴۰۱)

الف) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سوم، به ترتیب کدام است؟

ب) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم، به ترتیب کدام است؟

ج) پدیده تورم در سال دوم و سوم در این جامعه، به ترتیب کدام است؟

۱) الف (۳۳۲۰ - ۸۶۰) ب (۴۲۰ - ۳۹۰) ج (۳۹۰ - ۴۲۰)

۲) الف (۳۳۲۰ - ۸۶۰) ب (۳۹۰ - ۴۲۰) ج (۴۲۰ - ۳۹۰)

۳) الف (۳۳۲۰ - ۸۶۰) ب (۳۹۰ - ۴۲۰) ج (۴۲۰ - ۳۹۰)

۴) الف (۳۳۲۰ - ۸۶۰) ب (۴۲۰ - ۳۹۰) ج (۴۲۰ - ۳۹۰)

۱۷۳. میزان تولید کل کشوری، در سه سال متوالی به ترتیب ۱۵۰۰، ۱۷۰۰ و ۱۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با انتخاب سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید کل در سه سال مورد نظر بر حسب قیمت‌های سال پایه به ترتیب به ۱۵۰۰، ۱۶۵۰ و ۱۷۱۰ تغییر یافته است. بر این اساس، پاسخ پرسش‌های «الف»، «ب» و «ج» کدام است؟ (خارج ۱۴۰۱)

الف) پدیده تورم در سال دوم و سوم، به ترتیب کدام است؟

ب) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سوم، به ترتیب کدام است؟

ج) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم، به ترتیب کدام است؟

۱) الف (۱۶۵، ۵۰) ب (۱۶۵، ۲۱۰) ج (۱۵۰، ۱۶۵) د (۵۰، ۱۶۵)

۲) الف (۱۶۵، ۵۰) ب (۱۶۵، ۱۵۰) ج (۲۱۰، ۱۵۰) د (۱۶۵، ۵۰)

۳) الف (۱۶۵، ۵۰) ب (۱۶۵، ۲۱۰) ج (۱۵۰، ۱۶۵) د (۵۰، ۱۶۵)

۴) الف (۱۶۵، ۵۰) ب (۱۶۵، ۲۱۰) ج (۱۵۰، ۱۶۵) د (۵۰، ۱۶۵)